

## طبقه کارگر ایران در سالی که گذشت

تهاجمی که در طول سال گذشته به حقوق، سطح معیشت طبقه کارگر ایران و خانواده هایشان صورت گرفت، بی سابقه بود. روند بیکارسازیها که از چند سال پیش شروع شده، ابعاد وسیعتری پیدا کرد. قراردادهای موقت کار تقریباً به تمامی شرکتها و واحدهای تولیدی کشیده شد و امروز شرکتی نیست که کارگران قراردادی و موقت نداشته باشد.

این امر به نوبه خود لطمه سنگینی به یکپارچگی و وحدت طبقاتی طبقه کارگر زد. وحدت و یگانگی کارگران در درون واحدهای تولیدی جای خود را به روابط تبعیض آمیز میان کارگر موقت و قراردادی با کارگر استخدامی داد. در شرکتها، از کارگران پیمانی انسانهای درجه دو ساخت، انسانهایی که از پیش پا افتاده ترین حقوقها در کارگاهها محروم شدند. این تبعیضها، از حقوق و مزایا، بن کارگری، غذای شرکت و استفاده از نهارخوری گرفته تا به سرویسهای رفت و آمد، کشیده شده است، چرا که نه استفاده از سرویس رفت و آمد و نه استفاده از هیچ تسهیلات دیگری در قراردادهای موقت کار گنجانده و به رسمیت شناخته نمی شود.

در سال گذشته دوشقه شدن طبقه کارگر به کارگران قراردادی و استخدامی، در اثر قراردادهای موقت کار و وسعت آن، جای وحدت طبقاتی را در بین کارگران گرفت.

سیاست نپرداختن حقوقها در قبال کار انجام شده که اولیه ترین حقوق به رسمیت شناخته شده در جوامع سرمایه داری است (مزد در مقابل کار) در سال گذشته با شدت بیشتری ادامه پیدا کرد. سرکوب تحقیر آمیز (۱) در مقابل اعتراض به عقب افتادن حقوقها (که در مواردی به بیش از دو سال می رسد)، سیاستی رسمی شد و ابعاد آن گسترش پیدا کرد و چهره اش عربانتر و وحشیانه تر شد. سرکوب وحشیانه کارگران چینی گیلان، کارگران کارخانه های تجارت و پارس فاستون اصفهان و ..... که حتی زنان حامله کارگر نیز از این سرکوبها در امان نماندند، نمونه ای از این سرکوبهای وحشیانه بود. امروز این نوع سرکوبها، تبدیل به سیاست رسمی و بدون اِبا شده است.

دستگیری دسته دسته کارگران معترض و فعالین کارگری نیز ابعاد هولناکی به خود گرفته است، در زندانها بندهایی جداگانه به کارگران اختصاص داده اند و خود کارگران را هم بنا به معیارهایی به دسته های مختلف جدا کرده اند.

در زمینه تعیین حداقل دستمزد کارگران نیز، هیچ یک از معیارهایی که می باید بر مبنای آن این حقوق تعیین شود، مورد توجه قرار نگرفت، نه خط فقر، نه درصد تورم سالیانه و نه حداقل زندگی یک خانواده ۵ نفره. کاریکاتوری از چانه زنی در بالا تشکیل شد و چند نفر برای اصلیتترین حقوق کارگران تصمیم گرفتند و مقدر داشتند که خانواده های آنها در چه میزان از فقر و فلاکت و تنگ دستی دست و پا بزنند، تصمیم گرفتند که چه مقدار کودکان کارگران دچار سوء تغذیه، ترک تحصیل و .... شوند یا روانه بازار کار. تصمیم گرفتند چه مقدار به کودکان خیابانی اضافه شود، تا چه حد خانواده های کارگری دچار بحران و از هم پاشیدگی شوند.....

در سال گذشته بیکاری، شتری شد که در خانه صدها هزار کارگر شاغل خوابید و از آنها کارگران ارزان، قراردادی و پیمانی ساخت، کارگرانی که باید بین مرگ و یوغ بردگی، یکی را انتخاب کنند.

خارج کردن ۹۰ درصد از هم طبقه ایهایمان از شمول اصلیتترین مواد قانون کار بوسیله شورای عالی کار، تاخت و تاز به طبقه کارگر را در سال گذشته به اوج خود رساند و کارگران ایران را در زمره بی حقوقترین کارگران دنیا قرار داد و از آنها ارزانترین کارگران را ساخت. کارگران ارزانی که حتی همین حداقل حقوق تعیین شده هم شامل حالشان نمی شود. این تهاجم، کارفرمایان ۹۰ درصد از کارگران را در مقام ولی نعمتان و خدایانی قرار داد که بر تمامی عرصه های زندگی کارگران اقتدار دارند.

در زمینه تشکلات کارگری نیز حرکتی صورت نگرفت. هنوز در خیلی از کارگاههای زیر ۳۵ نفر، کارفرمایان به بهانه های مختلف از ایجاد انجمن صنفی جلوگیری می کنند و کارگران به خاطر از دست ندادن کارشان به آن گردن می نهند. در مواردی هم که کارگران مستقلاً دور هم جمع شده اند تا اقدام به ایجاد انجمن صنفی کنند با مانع تراشی وزارت کار روبه رو می شوند، گویی تشکیل انجمن صنفی باید به توصیه این یا آن فرد ذی نفوذ صورت بگیرد یا باید خانه کارگریها یا کانون عالی انجمن های صنفی پشت ثبت این یا آن انجمن باشند. کارگرانی که خواهان حرکتی مستقل از احزاب حکومتی هستند، هنوز در رفت و آمد به وزارت کار برای ثبت انجمن صنفی خود هستند. و در این زمینه اعتراض جدی صورت نمی گیرد.

در عرصه مبارزات توده ای، جدا از هم، اما متعدد، در سال گذشته اعتراضاتی مستقل صورت گرفت که عمدتاً خصلت و ماهیت دفاعی و از روی استیصال داشت. خصلت دفاعی مستأصلانه از این جهت که این اعتراضات عمدتاً در جهت مقابله با تهاجمات سرمایه به حقوق رسمیت یافته قبلی صورت گرفته است. یعنی این جناح سرمایه بود که اولیه ترین حقوق کارگران را نادیده می گرفت و لگدمال می کرد.

به عنوان نمونه اعتراضات کارگران تجارت و پارس فاستون اصفهان، چینی گیلان و کارگران چیت سازی بهشهر که مهمترین اعتراضات کارگری بودند و به زدو خورد و درگیری با نیروهای انتظامی هم کشیده شد، در اعتراض به عدم پرداخت حقوقهای معوقه صورت گرفته بودند. هر چند اعتراض از موضع دفاعی نسبت به کارگرانی که در مقابل این تضییع حقوقها، دست به اعتراض دفاعی هم نمی زنند، دارای ارزش و اهمیت مبارزاتی طبقاتی است و یک گام به جلو، اما ویژگی های خود را هم دارد که تحلیل جداگانه ای را می طلبد.

سال آینده برای ما کارگران بدتر از امسال خواهد بود اگر نسبت به سرنوشت خود بی تفاوت باشیم. اگر جناح سرمایه با تمام نهادهای لگد مال کننده حقوق کارگران، سوی دیگر اما خود ما هستیم. سؤال این است، ما در جهت دفاع از شأن و منزلت انسانی خودمان، در جهت دفاع از حقوق صنفی اقتصادی طبقاتی امان، در جهت دفاع از زندگی کودکانمان چه کرده ایم؟ و اِقا چه مقدار در سالی که گذشت تلاش کردیم؟

چگونه است که اولین ماهی که حقوقمان عقب می افتد اعتراض نمی کنیم و این قضیه تا بیش از دو سال به طول می انجامد؟ چگونه است که ۹۰ درصد از کارگران را از شمول اصلی ترین مواد قانون کار خارج می کنند و ما صدایمان در نمی آید؟ از خودمان پرسیده ایم که در جهت تحقق اولیه ترین حقوق کارگری امان چه کار کرده ایم و چه باید بکنیم؟ پرسیده ایم که در جهت

رفع سوء تغذیه از کودکان خود، در جهت سعادت و تأمین بهداشت و درمان و تغذیه رایگان برای آنها کدام تلاش را کرده ایم؟  
پرسیده ایم که مسئول وجود میلیونها کودک خیابانی و کودکان کار، کیانند یا چه سیاستهایی است؟ پرسیده ایم که چگونه می شود  
فردی خود را نماینده کارگران بداند و در عین حال یک پای خارج کردن ۹۰ درصد از کارگران از شمول قانون کار و  
بازگرداندنشان به نظام بردگی باشد و از این کار دفاع کند و آن را «عین عمل کردن به قانون و قانونی» بداند و صدها سؤال از  
این دست.

آری اگر یک پای بدبختی و بی حقوقی ما جناح سرمایه است علت دیگر خودمان و شرایطی است که از ما چنین آدمهایی ساخته  
است که نسبت به سرنوشت خود و خانواده و هموعان و هم طبقه ایهایمان بی تفاوتیم.  
طبیعی است که این وضعیت به ما تحمیل شده است و عوامل مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در ساختن چنین  
فضای هولناکی که از انسان هوشمند، عنصری بیگانه با زندگی خویش می سازد، دخیل است.  
غیرطبیعی اما، ماندن در وضعیت موجود است، دیدن بدبختی های خود و هم طبقه ایهایمان و خمیازه کشیدن، افتادن در دایره  
فساد و تباهی، آنچه که سالهاست چون گردابی ما در خود فرو می برد.

۱- تحقیر آمیز از آن جهت که این سرکوبها ناشی از مبارزات تهاجمی و رو به جلو طبقه کارگر و در مقابل پیشروی آنها نیست.  
این سرکوبها قلدرمآبانه است و در جهت لگدمال کردن اولیه ترین و به رسمیت شناخته شده ترین قواعد نظام وحشی سرمایه  
داریست. این سرکوبها برای جلوگیری از پیشروی طبقه کارگر در جهت کسب حقوق جدید، نیست. سرکوب اعتراضاتی که برای  
گرفتن ۲ سال حقوق عقب افتاده صورت می گیرد، تأکید بر به فحشا کشاندن و تخریب شأن و منزلت انسانی خانواده های کارگری  
دارد و به بی هویت کردن طبقه کارگر. با این سرکوبها می گویند: ۲ سال کار کرده ای، حقوقت را با گردن کلفتی نمی دهیم، بچه  
ات از گرسنگی مرد به درک، خانواده ات متلاشی شد که شد، در مقابل کارت، مزد بخواهی سرکوبت می کنیم. این سرکوبها  
خانواده های کارگری را به سمت فحشا و بزهکاری سوق می دهد، این سرکوبها می خواهد از کارگران، افرادی بی حقوقتر از  
برده بسازد و از این روست که بار تحقیری آن برجسته تر می شود.

کانون مستقل کارگری.